

امپریالیست های امریکایی و انتخاب بهترین خادم

Only scoundrels or fools can think that the proletariat must first win a majority in elections carried out under the yoke of the bourgeoisie, under the yoke of wage-slavery, and must then win power. This is the height of stupidity or hypocrisy; it is substituting elections, under the old system and with the old power, for class struggle and revolution.

V. I. Lenin. Greetings To Italian, French and German Communists.

فقط سفله هایا کودن ها تصور میکنند که پرولتاریا باید اکثریت را در انتخاباتی که زیر یوغ بورژوازی، زیر یوغ کار- بردگی صورت میگیرد بدست آرند و قدرت را تصرف کنند. این حد اعلی حماقت و دورویی است؛ این تعویض انتخابات تحت نظام کهن و قدرت کهن با مبارزه طبقاتی و انقلاب است.

لنین- درود بر کمونیست های ایتالیا، فرانسه و آلمان

در این روز ه مردم امریکایی صندوق های رای میروند تا رئیس جمهور جدید امریکا را انتخاب کنند. اگر چند شیوع کوید-19 روال معمول کارزار انتخاباتی و شیوه انتخابات راتحادی تحت الشعاع قرار داده اما با آنهم هجوم مردم بسوی صندوق های رای دهی در امریکایی سابقه است. با مشاهده هجوم بصندوق های رای رأی گفتار داهیانه ای مارکس بیاد می آید که میگفت "اینکه خلق چه میکنند تعیین کننده نیست، تعیین کننده اینست که با خلق چه میکنند- کاپیتال جلد اول". این کاملاً درست است، طبقات حاکمه در یکجا خلق را بر مزارع پنبه، گندم، جواری و پلانتاژ های گسترده نیشکر بکار و ادار میسازند، در جای دیگر به کارخانه های بویناک و کشتی ها و اسکله های سرد بنادر دریائی و سیلوها و دیپو های اموال میفرستند تا جان بکنند و زنده بمانند. آنها در سراسر جهان کنونی هر کاری را از این نوع که میکنند تنها تعیین کننده سر نوشت شان نیست بلکه برای خودشان هم نیست و حتی زمانی که بپای صندوق های رای میروند. نظام تولید مالکیت سرمایدار ی همه چیز را برای خلق به جبر مبدل ساخته و حتی در همان جایی که گفته میشود باید آزادانه ابراز اراده کنند، اراده شان در خدمت دشمنان طبقاتی شان قرار دارد.

تضاد بین امپریالیست های مختلف اضلاع متحده در انتخابات 2020 بیشتر از هر زمان دیگر حاد تر بنظر میرسد. دیروز بارک اوباما در سخنرانی اش در فلوریدا دونالد ترامپ را "چاچه خل و جل" نامید و دونالد ترامپ برای بر انگیزتن تنفر عامه او را "بارک حسین اوباما" گفت. می بینیم که بهنگام دفاع از منافع طبقاتی شان افراد از چه زبانی استفاده میکنند. اما چه دونالد ترامپ "چاچا خل و جل" باشد یا نه و چه نام اسلامی بارک اوباما تنفر مسیحیان متعصب را برانگیزد یا نه، یک حقیقت انکار ناپذیر از نظر خصلت شناسی سیاسی در این جو تنفر ایجادگری وجود دارد و آن اینکه: تمام سیاستبازان بورژوازی همه واژه های را که یاد دارند، هر ادواطوار را که بنظرشان موثر می آید و هر حیل و تزویری را که تصور میکنند با آن

رقیب شانرا کوچک سازند و مخاطب شانرا به صندوق رائی خود بکشاند بکار میگیرند. نمونه دیگری از این کار را در این گفتار از باب اوکیان می بینیم: "در این لحظه حساس، باید از هر وسیله عملی غیر خشونت آمیز مناسب برای بیرون کردن این رژیم از قدرت، استفاده شود. اگر علیرغم اعتراضات گسترده با خواست بیرون کردن رژیم ترامپ/پنس از قدرت، این رژیم در زمان انتخابات کماکان در قدرت باقی مانده باشد، آنگاه (با فرض این که انتخابات به واقع برگزار شود) استفاده از کلیه ابزار مناسب برای کنار زدن این رژیم باید شامل رأی دادن علیه ترامپ باشد، بدون این که تکیه اساسی بر روی این روش گذاشته شود. واضح بگویم که این به معنای «رأی اعتراضی» برای برخی کاندیداها که شانس پیروزی ندارند نیست. بلکه برای رأی موثر علیه ترامپ در واقع باید به نامزد حزب دمکرات یعنی بایدن رأی داد. (منبع: پورتال مریدان ایرانی باب اوکیان). نباید تعجب کرد، این همان باب اوکیان است که روزی پیشگام تظاهرات اعتراضی علیه سرفرستینگ سیائو پینگ به امریکا بود و اکنون توده های مردم را غیر مستقیم به رأی دادن به جو بایدن دعوت میکند و آنهم بهانه بیرون راندن رژیم فاشیست ترامپ/پنس از قدرت. این همان باب اوکیان است که بر استالین میتازد و کمینترن را محکوم میکند که چرا علیه فاشیزم آلمان و ایتالیا جبهه متحد ساخته بود و اکنون خود همه معیارها را زیر پا میگذارد و خلق امریکارابه رائی دادن به یک میلیونر دیگر فرامیخواند. باب که روزی بر نظرات جیمز کانالی خرده می گرفت، رویزیونیست های فرانسوی را بجرم افتخار به انقلاب بورژوا-دموکراتیک فرانسه بیای میز محاکمه میکشانید، رفیق گونزالورا به جرم اینکه شعار داده بود "زننده باد قهرمانان خلق" بمسخره می گرفت، حزب کمونیست فلیپین را به ایندلیل که گفته بود اگر رژیم به اصلاحات ارضی دست بزنند، ما کمکش میکنیم، مورد نقد قرار میداد، بر استالین و مائوتسه دون حمله میکرد که چرا خلق را بجای طبقه نشاند و از آنها حرف زده اند، اکنون خود به یک مبلغ حقیر حزب دموکرات مبدل شده است. اگر فراموش نکرده باشیم باب میگفت که عمل پرولتاریا ملی نیست و جهانی میباشد، پرولتاریا ملت و میهن ندارد. اکنون می بینیم که خودش نتنها در مسئله ای که فقط مربوط به بورژوازی امپریالیستی امریکا است شرکت چه که حتی برای یک حزب امپریالیستی تبلیغ میکند. پرولتاریای دنیا در این مسئله چگونه می تواند وظایف انترناسیونالیستی شان را برای باب انجام دهند؟!

موضع ایدئولوژیک کمونیست ها در قبال انتخابات بورژوازی

انتخابات بورژوازی چه پارلمانی و چه ریاست جمهوری زمانیکه بر اروپا اریستوکراسی اشراف فئودال حاکم و سلطنت های مطلقه جبار دمار از روزگار مردم درمی آوردند یک امر مترقی بود. اما این به اواخر قرن هژدهم میلادی مربوط میشود. در روسیه این امر تا سالهای 1905-1908 یعنی دوران انقلاب بورژوا-دموکراتیک نیز مسئله قابل قبول بود و میتوانست بعنوان یک تاکتیک سوسیال-دموکراسی مورد استفاده قرار گیرد. در آسیا آخرین انتخابات در چین در بین سالهای 1912-1920 است. فردریک انگلس زمانی گفته بود که در امریکا میتوان از طریق انتخابات قدرت سیاسی را تصرف نمود ولی در سالهای اخیر 1880 این حرفش را پس میگیرد. به اینصورت دوران مترقی بودن انتخابات بورژوازی در جهان و شرکت انقلابیون در آن یک قرن پیش به آخر رسیده است. از صدسال به اینطرف هر انتخابات بورژوازی خاک انداختن بچشم خلق بوده و عملی است ضد پرولتری، خایانه و مزدورانه. موضع کمونیستی در قبال هر عمل خایانه، ضد پرولتری و مزدورانه بورژوازی محکوم کردن آنست نه شرکت کردن در آن. بهمین دلیل است که از صدسال به اینطرف کمونیست ها همیشه طی فراخوانی طبقه کارگر و خلق را ببحریم انتخابات بورژوازی فرامیخوانند. لنین میگوید: "همه سوسیالیست ها در تبیین ماهیت طبقاتی تمدن بورژوایی

دموکراسی بورژوازی و نظام پارلمانی بورژوازی، نظریه ای را که با بیشترین دقت علمی توسط مارکس و انگلس تنظیم شده است، بیان کرده اند. بدین مضمون که دموکراتیک ترین جمهوری بورژوازی چیز بیش از دستگاهی برای سرکوب طبقه کارگر توسط بورژوازی، یعنی سرکوبی زحمتکشان توسط مشتی سرمایه دار نیست (لنین). سخنرانی در جلسه افتتاحیه کنگره اول کمینترن). بدون هیچ شکی که پارلمان یا رئیس جمهوری که جدیداً انتخابات میشود بر روی فساد سیستم در اینجا و آنجا خاک می اندازد و چهره کریه نظام کار-بردگی راسرخ آب و سفید آب میزند. اما این ترغیب نباید کمونیست ها را بمیدان بازی بکشاند. زیرا کمونیستها به هر نوع عوامفریبی مرتجعین از دیدگاه منافع پرولتاریا و انقلاب می نگرند از دیدگاه یک رفرمیست متعارف. هیچ نوع انتخابات بورژوازی و مرتجعین دیگر به انقلاب کمک نمیرساند و هیچ بهانه ای هم نمیتواند شرکت یک فرد را در انتخابات مرتجعین و یا نظر موافق دادن به این یا آن حزب پارلمانی توجیه کند. لنین با استادی کامل بمای آموزد که به مدنیت بورژوازی، انتخابات بورژوازی و دموکراسی بورژوازی از موضع طبقاتی نگاه کنیم نه از موضع یک رفرمیست مفلوک. به همین لحاظ است که میگوئیم حرف های باب نه بطبقه کارگر و خلق امریکا بلکه به حزب دموکرات و امپریالیستهای رقیب نیوکان ها تعلق دارند.

انقلابیون کمونیست در بدترین شرایط خفقان و سرکوب، پیگرد و کشتار توده ها را به تحریم انتخابات ارتجاعی فرامیخوانند. زیرا معتقدند که انتخابات مرتجعین در "دموکراتیک ترین جمهوری بورژوازی چیز بیش از دستگاهی برای سرکوب طبقه کارگر توسط بورژوازی، یعنی سرکوبی زحمتکشان توسط مشتی سرمایه دار نیست". اگر باب این گفتار را قبول داشته باشد پس نمیتواند این حرف را بزند "باید از هر وسیله عملی غیر خشونت آمیز مناسب برای بیرون کردن این رژیم از قدرت، استفاده شود... ابزار مناسب برای کنار زدن این رژیم باید شامل رأی دادن علیه ترامپ باشد؟" و اگر قبول نداشته باشد باید عنوان کمونیست را نیز بدور اندازد و نام مطاب به اندیشه رفرمیستی اش برگزیند. هر کمونیست میداند که فارمول عام مبارزه طبقاتی اینست که تحت هر شرایط تاجائیکه ممکن است خشم توده های دربند را بر سر مرتجعین حاکم و نظام فرتوت استثمار کار مزدوری رها سازند. حتی انارشویست ها و تروتسکیست ها هم ننگ دارند بگویند که "در این لحظه حساس، باید از هر وسیله عملی غیر خشونت آمیز مناسب برای بیرون کردن این رژیم از قدرت، استفاده شود" بهانه باب چیست؟ در صفحه اول وب سایت باب این شعار را میخوانیم:

TRUMP IS DETERMINED, AND HAS A STRATEGY, TO STAY IN POWER, AND HAMMER INTO PLACE HIS FASCIST PROGRAM—MURDEROUSLY ENFORCING INJUSTICE, CRUSHING BASIC RIGHTS AND LIBERTIES, ACCELERATING THE DESTRUCTION OF THE ENVIRONMENT AND HEIGHTENING THE DANGER OF NUCLEAR ANNIHILATION

ترجمه :

ترامپ مصمم است، استراتژی دارد که در قدرت باقی بماند و برنامه فاشیستی اش را برکسی نبشاند- قاتلان بیعدالتی را تقویت کند، حقوق آزادی های ابتدائی را زیر پا سازد، تخریب محیط زیست را تعجیل بخشد و خطر نابودی عمومی به واسطه جنگ هسته وی را بالا ببرد

اینست بهانه ساینیتیست بزرگ! او با همین منطق سنتز "نوین!" را نوشته است! او با همین منطق "کمونیسم نوین!" را میسازد! می بینیم که او حتی نامی از طبقه کارگر و سایر اقشار زحمتکشان که زندگی پر زرق و برق لردهای امپریالیست را ممکن میسازند، نمیرد. این رویونیست مفلوک مانند یک پوپولیست

متداول مدعی است که ترامپ و نیوکان ها آزادی های ابتدائی دموکراتیک را از بین میبرند. توگویی که آزادی های ابتدائی دموکراتیک مافوق منافع سرمایدار ی امپریالیستی اند. تاهرمانیکه آزادی های ابتدائی به آنها نفع برسانند و حساب های بانکی شان را چاقتر کنند، آنها را حفظ میکنند و هرزمانیکه این آزادی ها به آنها نفع نرسانند آنها را از بین میبرند. هیچ تضمینی وجود ندارد که آزادی های ابتدائی به واسطه حزب دموکرات حفظ شود، همانطوری که هیچ تضمینی وجود ندارد که این آزادی ها به واسطه ترامپ لغو گردند. "داشتن حق سقط جنین" برای زنان همانقدر که در بین نیوکانها طرفدار دارد به همان نسبت در بین دموکرات ها مخالف دارد.

محیط زیست: حرف مفت زدن کار آسان است. بهمین دلیل امروز مادر هر گوشه افغانستان و ایران "نویسندگان"، "صاحب نظران" و حتی "متفکرین بزرگ" داریم! چون سخن بیهوده خرچ و مصرفی ندارد. حزب دموکرات کدام کاری را انجام خواهد داد که تخریب محیط زیست تعجیل نگیرد؟ چه کسی گفته جو بایدن امریکارادوباره در معاهده کیوتو می آورد؟ هیچ تضمینی وجود ندارد که جو بایدن قرار داد پاریس را مجدداً امضا کند. چه کسی گفته که جو بایدن سطح تولید کار بن دای اکساید را در امریکا پایین می آورد؟ که گفته که امپریالیست های امریکائی در حکومت جو بایدن کمتر از دوران ترامپ به تخریب محیط زیست دست میزنند؟ در کجا آمده که حکومت جو بایدن فابریکه های فرسوده امریکائی را که با ذغال سنگ کار میکنند از فعالیت می اندازد و غیره. ساینستیسست کبیر! از کجابه این کشفیات بزرگ دست یافته است؟

این درست است که ترامپ مانند همه روسای جمهور ایالات متحده امریکا هر وقت که خواسته مخالفتش را با بمب هسته وی تهدید کرده است، اما دموکراتها نیز دست کمی از برادران نیوکانش ندارند. آنها نیز مخالف کشتار و نابودی جمعی نیستند. این حزب دموکرات و بطور مشخص هنری ترومن بود که جاپان را بمباردمان هسته وی کرده و شهرهای هیروشیما و ناگازاکی را به خاکستر رادیو- اکتیف مبدل ساخت. این حزب دموکرات بود که اتحاد شوروی و سوسیالیستی را با رابا بمب هسته وی تهدید کرد. این حزب دموکرات بود که میخواست چین سرخ را با بمب هسته وی نابود کند. همین چند سال پیش بیل کلینتن از حزب دموکرات در کوریای جنوبی خطاب به کوریای شمالی گفت: امریکارحیم و روف است و رنه در ظرف یک ساعت کوریای شمالی را از روی کره زمین حذف میکنیم.

به اینصورت زیر پا کردن آزادی های ابتدائی، تعجیل تخریب محیط زیست و خطر بمب هسته وی را که باب بحیث برهان برای رائی دادن به جو بایدن استفاده میکند بیشتر از بهانه های بی اساس چیز دیگر نیستند. خلص: حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات دوسریک اژدهای آدمخوار هستند و یکی از دیگری تفاوت زیادی ندارد.

از این مضحک تر هیچ چیز دیگر نیست که کسی امپریالیزم را به امپریالیزم خوب که باید خلق را به رائی دادن به آن فراخواند و امپریالیزم بد که با هر وسیله مناسب و بدون خشونت از مسند قدرت بیرونش انداخت، تقسیم کند! باب اگر تاکنون به دلیل پیوندش با پلنگ های سیاه، فعالیتش در تظاهرات علیه سفر تینگ سیائو پینگ و فراری بودنش در فرانسه میتوانست اپورتونیزم راستش را اندکی استتار کند، اما بعد از این نوشته دیگر نمیتواند منمسیاهش در هزار آب روان سفید سازد. به پیکره دیگری از گفتار او توجه میکنیم: "تصورش را بکنید! اگر مانند اعتراضات گسترده علیه ستم نژادی و ترور پلیسی، مردم به خیابان بیایند و از ۳ اکتبر هر روز، در پاسخ به فراخوان رفیوز فاشیسم به تظاهرات های بی وقفه غیر خشونت آمیز اما مصمم حول شعار متحد کننده این رژیم هم اکنون باید برود، به خیابان بیایند و این

بسیج توده ای رشد کرده و چند برابر شود و هرچه بیشتر افراد خشمگین؛ از حرکت بی وقفه رژیم برای تحکیم بیشتر دیوان عالی که ابزار دیگری در تبعیض تعصب آمیز و سرکوب فاشیستی این رژیم است، به آن بپیوندند. تصور کنید که توده های مردم بخش های مختلف جامعه که از همه این مسائل بیزارند و هرچه واضح تر دست این رژیم فاشیستی را در همه این امور می بینند، به بسیج های توده ای روزانه بپیوندند و خشم و مقاومت خود را با خواست متحد کننده «این رژیم همین الان باید برود» پیوند بزنند. اودراین فراخوان یک دنیای تخیلی راپیش نظرگرفته وادامه میدهد که "تصورش را بکنید!" که اگر محصلین بیایند، اگر کل خلق بیایند و اگر اینها بیایند و اگر آنها بیایند... غیره. بدون هیچ شکی ترامپ و پنس از قدرت می افتند. امانمیگوید که اگر تمام اینهائی را که "میگویم بیایند"، برآستی بیایند میتوانیم تمام نظام استثمار و ستمگری اضلاع متحده آمریکا را براندازیم. چرا و به این استنتاج نمیرسد؟ زیرسرنگونی رژیم امپریالیستی امریکا درایدئولوژی اونیست. این حقیقت خیلی ساده مبارزه طبقاتی است که هیچ بورژوائی خواهان واژگونی رژیم سرمایدارنی نیست. آنچه در قاموس ایدئولوژیک یک رویونیست است اینست که به خلق موعظه کند "به تظاهرات های بی وقفه غیرخسونت آمیز" باهدف "رفیوز فاشیسم (رد فاشیزم)" نه با هدف سرنگونی نظام.

آوانتور موج سواری یک رویونیست

در گیر و دار انتخاب بین دو "بد" باب اوکیان می خواهد موج سواری کند و بهمین لحاظ یک سلسله بدی های رژیم را بازگوئی میکند "تداوم خسونت پلیس و قتل؛ از تخریب محیط زیست؛ از کودکان در قفس و ده ها هزار مهاجر در اردوگاه های اجباری در مرز؛ از غفلت و دروغگویی غیر مسئولانه ترامپ در مورد بیماری همه گیر کوید که موجب مرگ قابل پیشگیری ده ها هزار نفر به خصوص در میان سیاهان و رنگین پوستان و بومیان شده است". او می خواهد خشم توده هارا برانگیزد و آنها را با گلولی پر از عقده با برگه رائی شان به صندوق جوابیدن بکشاند. اما حقیقت اینست که چه جوابیدن برنده انتخابات باشد و چه دونالد ترامپ، هیچکدام آنها این چیزها را تغیر نمیدهند. توجه در اینجا لازم است که ببینیم باب چگونه سیاهان تحت ستم، فقر و بیچارگی 66 میلیون بیکار، مظلومیت و هراسمندی اقلیتهای آسیائی نژاد و لاتینو هارا فراموش میکند. و وضعیت زندگی آنها همانقدر در نظرش عادی است که در نظریک میلیونر امریکائی عادی میباشد. طوری که گفتیم هریکی از ایندو نفر بعد از 3 ام نوامبر رئیس جمهور منتخب خواهد بود، اما مسایل اسساتغییر نخواهد کرد، لیکن باب اصرار دارد "تصور کنید که توده های مردم بخش های مختلف جامعه که از همه این مسائل بیزارند و هرچه واضح تر دست این رژیم فاشیستی را در همه این امور می بینند، به بسیج های توده ای روزانه بپیوندند و خشم و مقاومت خود را با خواست متحد کننده «این رژیم همین الان باید برود» پیوند بزنند". و می بینیم که او با چه کوته بینی رفرمیستی نقش تاریخی امپریالیزم، انقش جهانی امپریالیزم و نقش ستمگری و بهره کشی امپریالیزم امریکا را در طاق نسیان میگذارد و تمام اهمش را متوجه این میسازد که "این رژیم همین الان باید برود". در حالیکه در جاهای دیگر حتی تضادهای داخلی جوامع عقبمانده را انکار و سیاست جهانی امپریالیزم را تعیین کننده میخواند ولی در اینجا حتی براین موضوع مکثی هم نمیکند. توگوئی که هر کسی که رئیس جمهور شود وظیفه ندارد که هژمونی و ستمگری ملی- امپریالیستی اضلاع متحده آمریکا را بر خلق های تحت ستم جهان تامین و غارت و چپاول از آسیا، آفریقا و امریکای لاتین را تضمین کند. از آنجائیکه این دو حزب شیوه اعمال رهنی و غارت، ستمگری و جنگ افروزی بظواهر اندکی متفاوت از یکدیگر دارند، باب در عقب این تفاوت ظاهری ناچیز مخفی میشود. اگر از زاویه منافع تاریخی انقلاب به قضیه نگاه و جستجو کنیم که

کدام یک از آنها امپریالیست های امریکائی را بیشتر منزوی میسازد و آنرا در عرصه سیاسی، نظامی و اقتصادی با امپریالیزم چین، امپریالیزم روسیه و امپریالیستهای اروپائی به منازعه میکشاند، به این نتیجه میرسیم که بهتر است دونالد ترامپ در قدرت باقی بماند. دونالد ترامپ نماینده امپریالیزم مالی امریکا است. امپریالیزم مالی یافاشیزم بنابه خصلت تراکم و تمرکزگرائی سرمایه های مالی خواهان قسمت بیشتری از عواید جهانی میباشد و این امر بر تضادهای جهانی تأثیرات عظیمی را بجامیگذارد. زمانی که تضاد عمده جهانی تضاد بین امپریالیزم و خلق های جهان است، هر قدر امپریالیزم امریکا در انزو اقرار گیرد، بهمان نسبت جناح تضاد دشمن خلق های جهان تضعیف میگردد. تاریخ نشان داده که بدون سگ جنگی امپریالیست ها گسست زنجیر اسارت پرولتاریا در روسیه مشکل بود. بهمینصورت تاریخ شاهد است که اگر گفتار های هار امپریالیست به سروروی یکدیگر با چنگ و دندان نمی پریدند، مستعمرات امپریالیست های اروپائی و جاپان در آسیا به آزادی نمیرسیدند، انقلاب در چین بمشکلات بیشتر مواجه میگردد. باب اوکیان که انقلاب نمیخواهد این مسایل را هم در نظر نمیگیرد. او مردم را میترساند که دونالد ترامپ خطر استفاده از سلاح هسته وی را افزایش میدهد، پس شما باید "صلح آمیز" و از قدرت بیرون انداخته و جوابیدن ر انتخاب کنید!" این نوع شعبده بازی میراث دیرین فرصت طلبان تاریخ جنبش کارگری میباشد. آزادی خلقها با تعویض ستمگر بدست نمی آید.

طبقه کارگر و خلق اضلاع متحده امریکا! شما نباید فریب شعبده بازانی مانند باب اوکیان را بخورید. نه حزب دموکرات و نه حزب جمهوریخواه، هر دوی آنها دشمنان شما اند. هر دو حزب دو دسته رهنمی اند که بر سر محصول کار و زحمات شما مسابقه انتخاباتی را سازمان میدهند. تعویض آنها راه رهایی شما نیست. رهایی شما فقط با سرنگونی کامل رژیم سرماییداری امپریالیستی امریکا میسر است.

مائویست های افغانستان

25 اکتبر 2020

ویرجینیا- امریکا

آدرس مکاتبه با ما

P.O. Box 1

Station H

Montreal Quebec

H3G 2K5

CANADA